

گفت‌وگوی
صبا با عوامل
نمایش
«شاخ بی سر»



محمد بهرمنی
کارگردان:

تازمانی که اجرا کامل نشود
روی صحنه نمی‌روم

آنگاه که حقیقت

از پس پرده مرگ، خود می‌نمایند

شمال وجود دارد و اساساً حضور دریا در متن باعث شد این ایده به‌طور جدی مطرح شود که از آب روی صحنه استفاده کنیم. از طرف دیگر موضوع غرق‌شدگی نیز چه در مورد برادر و چه در خاطره‌ای که خود همایون در حمام دارد، ما را به این سمت سوق داد که از آب استفاده کنیم. خوشبختانه، این مسئله از نظر اجرایی چالش سختی در زمان دکور زدن ایجاد نکرد، زیرا از قبل همه چیز را می‌دانستیم و حتی با آب هم تمرین کرده بودیم و حدوداً بیست جلسه اجرای ژنرال رفتیم تا به آمادگی صددرصدی برسیم و به آنچه مدنظرمان بود نزدیک شویم. به همین دلیل، از نظر دکوری با چالش جدی مواجه نشدیم.

در نمایش به مسائلی مانند عقده ادیب اشارات زیادی وجود دارد. این امر بعد روانشناسانه اثر را پررنگ می‌کند. اما آیا می‌توانیم این نمایش را اثری روانشناسانه بدانیم؟

فکر می‌کنم قصد هیچ هنرمندی از همان ابتدای کار خلق اثری صرفاً روان‌شناسانه یا هر با عنوان و کارکرد دیگری نباشد. ما در اصل می‌خواستیم یک داستان تعریف کنیم و داستان ما با نمایشنامه‌ای که چهارصد سال قبل از میلاد نوشته شده (ادیب)، نمایشنامه‌ای که چهارصد سال پیش از این بوده (هملت) و نمایشنامه‌ای متعلق به زمان حال (داستان همایون ادیب)، پیوند خورده است. داستان همایون که متعلق به اکنون است به «هملت» و «ادیب» پیوند خورده است. شاید درگیری‌های ذهنی خودمان ما به این سمت برده باشد، اما اینکه ادعا کنیم از ابتدا بگویم می‌خواستیم کاری روان‌شناسانه و پیچیده بسازیم، نبوده است و اتفاقاً فکر می‌کنم که «شاخ بی سر» جزو معدود کارهای من است که داستانی بسیار واضح‌تر نسبت به نمایش‌های «تاری» و «سبزیف» دارد و داستان به‌گونه‌ای است که تماشاگر عام آن را درک می‌کند. یعنی حتی اگر مخاطب داستان ادیب یا هملت را هم نداند و فقط داستان همایون ادیب را ببیند و بفهمد، در این صورت، احساس نمی‌کند چیز مهمی را از دست داده است. انگار با فهم داستان همایون، هم هملت را می‌فهمد و هم ادیب را. معمولاً تماشاگر عام با این کار ارتباط بیشتری برقرار می‌کند هرچند که در پانزده تا بیست دقیقه اول، ممکن است دچار معما و چالش شود، اما این نیز تقریباً قصد و غرض خود من بوده است؛ چون می‌خواستیم حس و حال تماشاگر شبیه حس و حال انسانی باشد که در حال کشف ناشناخته‌هاست.

«شاخ بی سر» چندمین همکاری شما با محمود خسروپرست است. آیا با توجه به پروسه طولانی تمرینات و بازنویسی متعددی که روی اثر انجام شده، می‌توان گفت که این نمایش محصول یک پروسه آزمایشگاهی است؟ بله دقیقاً همینطور است. فکر می‌کنم متن حدوداً ۱۳ بار بازنویسی و بر اساس تمرینات، تغییراتی در متن لحاظ شد. این اثر در ابتدا یک طرح بود، بعد متن شد و از آن متن، کم‌کم داستان خلق شد و این تجربه جذابی بود که تاکنون کشف نکرده بودیم.

دکور خلاقانه یکی از مولفه‌های آثار شماست و دکور این نمایش نیز در نگاه نخست، به راحتی می‌تواند تداعی‌کننده یک ویلای متروکه در شمال کشور باشد، اما در ادامه استفاده گسترده‌تری از آن می‌شود. لطفاً درباره روند رسیدن به این دکور و ایده آن بگویید. من همانطور که روی متن زمان می‌گذارم، با گروه و بخش‌های دیگر نیز همیشه به همین شکل کار می‌کنم؛ یعنی از همان روز اول، طراحی صحنه، نور و موسیقی به‌صورت هم‌زمان آغاز می‌شود. در واقع، طی آن یازده ماهی که تمرین می‌کنیم، همه عناصر در کنار هم تمرین و کار می‌شوند. بنابراین با هر ایده‌ای که شکل می‌گرفت و با هر تغییری که در متن ایجاد می‌شد، در دکور نیز تغییراتی به وجود می‌آمد. حال و هوایی که در نظر داشتیم باید هم شبیه یک ویلای متروکه می‌بود که روی همه چیز با پارچه‌های سفید پوشانده شده است و هم شاید تا حدی شبیه به مغز یا رحم مادر بنابراین با کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها به طرح نهایی رسیدیم.

استفاده از دو عنصر آب و نور در این کار بسیار پررنگ بود. اما آیا در طراحی و مهندسی آن حین ساخت دکور و اجرا، با چالشی مواجه شده‌اید؟ در داستان این نمایش، به اشاره‌های متعددی به دریا،



سخن پایانی

بسیار خوشحال می‌شوم که مردم ببینند و کار را ببینند. ما زمان زیادی برای این اجرا صرف کرده‌ایم. من برای تمام تئاترهایم زمان زیادی می‌گذارم و درگیر تمرین‌های یک یا دو ماهه و ساختن عجلولانه اجرا نیستم. بنابراین تازمانی که



اجرا کامل

نشود، روی صحنه نمی‌روم، چون مخاطبم، برای چشمانش و برای زمانی که می‌گذارد احترام و ارزش قائلم. البته نمی‌گویم هنرمندان دیگر این‌گونه نیستند، اما حداقل در مورد خودم می‌دانم که با زمان و انرژی که صرف این کار کرده‌ام، آنچه روی صحنه می‌بینم را دوست دارم و بر اساس واکنش‌هایی که از مخاطبان تا به اینجا دیده‌ام نیز می‌توانم بگویم که آن‌ها هم این کار را دوست داشته‌اند و این امر از استقبالی که نسبت به اثر وجود دارد نیز پیداست و امیدوارم که این استقبال ادامه یابد چرا که تئاتر معمولاً محدود به زمان است؛ یعنی در یک بازه یک یا نهایتاً دو ماهه به پایان می‌رسد و برای من هم این‌طور نیست که دور اجراهای پایانی باز داشته باشد و همین‌طور ادامه پیدا کند.

«شاخ بی سر» درامی روانشناختی و اقتباسی آزاد از دو نمایشنامه مشهور هملت و ادیب، به نویسندگی محمود خسرو پرست و کارگردانی محمد بهرمنی است که این روزها در تماشاخانه کاخ هنر اجرا می‌شود و با استقبال خوبی مواجه شده است. فرزین محدث، مهشید خدادی، مهدی یگانه و علیرضا حق پرست، بازیگران این نمایش هستند که به رنج روانی حاصل از تروماهای کودکی همایون ادیب و کشمکش حقیقت و ذهنیت در لحظه مرگ می‌پردازد.

مریم عظیمی
گفت‌وگو

